



مصاحبه و گزارش

کسی دوست ندارد منتقد شود
فرهنگ توصیفی داستان نویسان،
مترجمان و منتقدان ادبیات داستانی

سمیرا اصلانیپور ده سال پیش داستان نویسی را شروع کرد و پس از مدتی، بیشتر به نقد ادبی مشغول شد. او متولد سال ۱۳۴۳ و فارغ التحصیل رشته مهندسی پتروشیمی از «دانشگاه صنعتی امیرکبیر» است.

«مبصر بعدی»، «کوههای آسمان»، «نیلوفر»، ستاره‌ها و سپیدار»، «قلب نقره‌ای شهر» کتابهای داستانی اصلانیپور هستند که بیشترشان برای کودکان و نوجوانان نوشته شده‌اند. از او داستانهای دیگری نیز در مطبوعات به چاپ رسیده است.

نقدهای اصلانیپور بیشتر در نشریاتی چون «جنگ سوره - بچه‌های مسجد»، «سوره نوجوانان»، «سوره»، «ادبیات داستانی»، «پویش» و «قلمرو» درج شده است.

او افزون بر فعالیت در رشته مهندسی، عضو شورای بررسی رمان بنیاد جانبازان و مستضعفان است و با واحد بررسی آثار مجلات «رشد» همکاری دارد.

در این گفتگو با اصلانیپور از نقد و وضعیت آن در ایران صحبت کرده‌ایم و حرفهایش را درباره سبکهای داستان نویسی در ایران نیز شنیده‌ایم:

○ گرچه داستان نویسی نیز هستید، ولی بیشتر شما را با آثار نقدتان می‌شناسند. بهتر است بحث را با صحبت درباره نقد شروع کنیم؛ تعریفتان از نقد ادبی چیست؟

● به نظر من نمی‌توان تعریف نقد را در یک یا چند جمله گنجاند. اما نقد در ذهن من تجزیه و تحلیل اثری داستانی است، چه از نظر محتوا و چه از نظر ساختار داستانی. من این تجزیه و تحلیل را نقد می‌گویم. ○ یا این تعبیر چه کسی منتقد است؟

● منتقد باید با ادبیات آشنا و با مطالعه باشد؛ چه داستان نویسی باشد و چه نباشد. از همه مهمتر اینکه توانایی تجزیه و تحلیل داستان را داشته باشد. نقد، تعریف خلاصه داستان و تحسین بی دلیل یا عیب جویی بی منطق نیست. منتقد می‌تواند با ارائه شواهد، منظور نویسنده را واضح‌تر بیان کند و نشان دهد که آیا نویسنده در رساندن این مفهوم موفق بوده است یا نه.

○ تفاوت نقد و عیب جویی در چیست؟ آیا وظیفه منتقد عیب تراشی و خورده‌گیری است؟

● نشان دادن معایب بخشی از نقد است؛ به شرطی که با ذکر دلیل و مدرک باشد. در عین حال بایستی محاسن آن را هم نشان داد.

○ پس اگر نشان دادن معایب بخشی از نقد است اما نقد عیب جویی نیست باید به مفهومی مثل اخلاق نقد و عفت قلم نقد پایبند بود. اخلاق نقد چیست؟

● با خواندن نقدهای موجود به نظر می‌رسد که متأسفانه بسیاری از منتقدان، داستان و ساختار آن را نمی‌شناسند. هدف از نوشتن بسیاری از نقدها، تبلیغ و معرفی نویسنده‌ای و یا کارشکنی در کار نویسنده‌ای دیگر است. به همین جهت به نظر من اولین اصل اخلاقی در نقد، کنار گذاشتن دوستی‌ها و دشمنی‌ها و در نظر گرفتن کتاب به عنوان یک کار مستقل است.

○ باید پذیرفت که نقد در جامعه ما نهادینه نشده است و عملاً کاربست چندانی پیدا نکرده است. به گمان شما مشکل در چیست؟

● در حال حاضر نقد نمی‌تواند کاری را که از آن انتظار می‌رود انجام دهد. و گرنه نویسندگان به خود اجازه نمی‌دادند این همه کتاب ضعیف منتشر کنند. نقد کارآیی خود را ندارد. نشریاتی که به طور دائم به این کار بپردازند وجود ندارند. مجله‌ها یا تعطیل می‌شوند و یا دست از نقد برمی‌دارند. بیشتر به شرایط بستگی دارد و اینکه چه افرادی در مجلات هستند. اکثر گمان می‌کنند که نقد حرکت مضری است، اما به نظر من نقد می‌تواند بهترین تأثیر را داشته باشد. اگر نویسندگان به تأثیر نقد معتقد باشند، بدون توجه به مخاطبان، کارهای سطحی ارائه نمی‌دهند. بسیاری مواقع نقد می‌تواند آثار برتر را به مردم معرفی کند و در توفیق آنها سهیم باشد.

○ آیا گمان نمی‌کنید عدم اقبال نقد از سوی نویسندگان و همچنین خوانندگان ناشی از عدم اطمینان به منتقدان و فقدان جریان سالم و بی‌طرفانه در نقد است؟ از نظر منطقی خواننده وقتی با حجم وسیع کتابهای منتشر شده‌ای روبه‌رو می‌شود که قیمت گرانی هم دارند، باید مشتاقانه از راهنمایی منتقدی صالح و منصف در انتخاب کتاب استقبال کند و یا نویسندگان اگر ببینند کارشناسی عادل و بی‌غرض به رایگان آنها را راهنمایی می‌کند، در نوشته‌هایشان ایرادات او را لحاظ خواهند کرد.

● بله، بخشی از مشکل به همین دلیل است. اما مسأله اصلی این است که چه عامه مردم و چه نویسندگان و روشنفکران جامعه، اهل مطالعه نیستند. وقتی جامعه‌ای اهل مطالعه نباشد به طبع کسی خریدار نقد نخواهد بود. وقتی حتی نویسندگان ما کمتر داستانهای ایرانی و یا خارجی مطالعه می‌کنند، طبیعتاً نقد آثار برای آنها مطرح نخواهد بود. البته در اینکه بسیاری از نقدها غیرقابل اعتماد است یا شما موافقم. برای

گفتگو با «سمیرا اصلانیپور» درباره
نقد ادبیات داستانی در ایران

کسی دوست ندارد
منتقد شود

● سیدعلی کاشفی خوانساری

نمونه نشریه ای را در نظر بگیرید که تنها نویسندگان طیف خود را معرفی و تبلیغ می کند و از نویسندگان غیرهمفکر حتی نام نمی برد. عیب جویی هم نمی کند چه برسد به نقد منصفانه؛ و خود را در برابر حضور تعداد فراوانی نویسنده به ندیدن و نشنیدن می زند. طبیعی است که خواننده به این مجلات اعتماد نکند. از طرفی بسیاری از افرادی که در مجلات، نقد می نویسند درباره داستان اطلاعات کم و ناچیزی دارند و متأسفانه از این افراد در مطبوعات بسیار داریم. من که نقدی نوشته ام و علاقه مند به بحث نقد هستم نوشته هایشان را نمی خوانم، چه رسد به مردم.

نکته دیگری که باید بگویم این است که بسیاری از نویسندگان هم تحمل نقد را ندارند. من هیچ وقت از روی حس یا بغض اثر کسی را نقد نکرده ام؛ اما دیده ام که نقدهایم باعث کدورت های شدید شده است. حتی کسانی که با من نزدیک بودند از نقد اثرشان به شدت رنجیده اند و رفتارشان تغییر کرده. باید به منتقد اطمینان داشت.

○ نظر شما درباره نقدهای سیاسی و عقیدتی که امروز بسیار متداول است چیست؟ یعنی اینکه با عنوان نقد ادبی، آثاری را که باخط فکری و نظام اعتقادی ما ناسازگار است بگویم و یا با نظر مساعد و طرفدارانه با آثار نویسندگان همفکر مواجه شویم؟

● من وقتی کتابی را نقد می کنم، به آن به عنوان کتاب نگاه می کنم و به نویسنده آن کاری ندارم. اما به محتوای آن بی اعتنا نیستم. نمی توانم کتابی را که به اعتقادات مذهبی جامعه توهین کرده است، هرچند که از نظر تکنیکی قوی باشد به خوانندگان توصیه کنم. رسالت اصلی ادبیات رساندن پیام است. اگر پیام اثری نادرست و نامطلوب باشد دیگر تکلیف ما با آن روشن است. بسیاری از نویسندگان دوست دارند خود را مطرح کنند، حتی حاضرند ناسزا بشنوند اما مطرح شوند. در اینجا منتقد باید هوشیار باشد و به خواسته آنان تن در ندهد. البته بعضی نشریات معاند کاملاً مغرضانه عمل می کنند. اگر مثلاً در سال صد عنوان داستان منتشر شود آنها به ده عنوانی که نوشته همفکران خودشان است اکتفا می کنند و حرفی از بقیه نمی زنند. مگر بقیه در این کشور زندگی نمی کنند؟ مگر آن نود درصد ادبیات نیست؟ من به شخصه کتاب هر نویسنده ای را نقد کرده ام و به این مسائل توجهی نداشته ام. اما این بی توجهی روش مقابله با آثار دیگران و روشی کاملاً غیر ادبی است.

○ اتفاقاً می خواستم همین را بپرسم. شما چگونه کتابی را برای نقد انتخاب می کنید؟ از پراکندگی اثرها و حال و هوای کارها به نظر می رسد بیشتر این نقدها سفارشی باشند.

● البته مواردی هست که دست اندرکاران مجلات، کتابی را برای نقد پیشنهاد می کنند و یا استادانی که نظر آنها را قبول دارم کاری را سفارش می کنند، اما در هر صورت تا خودم کتابی را قابل نقد ندانم کار نمی کنم. کتابهای بسیاری به من سفارش شده که حتی نتوانستم آنها را بخوانم و در نتیجه نقدی هم درباره آن ننوشته ام. همین طور بسیار پیش آمده که نویسنده گمنامی کتاب خوبی نوشته و خودم خواسته ام یا نقد آن، او را معرفی کنم و چنین کرده ام. البته بیشتر نقدهایی که نوشته ام با انتخاب و سلیقه خودم بوده است به خصوص درباره کتابهای کودک و نوجوان.

○ احساس نمی کنید پیش زمینه های ذهنی شما در نقدهایتان تأثیر داشته است؟ برخی می گویند کافی است بدانیم شما چه کتابی را نقد کرده اید تا بدانیم در نقد چه موضعی داشته اید!

● این موضع عقیدتی است، که مشخص است. اصلاً احتیاج به نقد نیست؛ موضع ما درباره مذهب و اعتقادات روشن است و چیزی نیست که قرار باشد در هر نقدی تغییر کند. اما از نظر ساختار داستانی من سعی کرده ام از روی الگوهای پذیرفته شده ادبی نقد کنم و حرف بی منطق نزنم. معمولاً زمانی که کتابی را نقد می کنم، نویسنده آن و سابقه او را در نقد وارد نمی کنم. حتی به سایر کتابهای او کاری ندارم و صرفاً به نقد ساختاری و محتوایی همان اثر می پردازم. البته گاهی می توان اثر مورد نقد را با دیگر آثار نویسنده نقد کرد و پیشرفت و پسرفت وی را متذکر شد و یا چند کتاب نویسنده را برای نشان دادن یک مسأله واحد مورد بررسی



• بسیاری از افرادی که خواننده دائمی مجلات ادبی هستند، نقدها را نمی خوانند و منتقدان را نمی شناسند.

• بهترین

منتقدان ما

عبدالعلی دستغیب

و

رضا رهگذر

هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



قرار داد، ولی نیایستی مثلاً آشتباهی را که نویسنده در کتاب دیگر مرتکب شده تعمیم داد و یا اگر قبلاً کتاب خوبی نوشته، از اثر ضعیف فعلی هم تعریف و تمجید کرد.

○ شبیه رنه ولک که با تقسیم بندی دوره ها و مکتبها چندان موافق نیست و هر کتاب را جداگانه و همچون اثری مجزا بررسی می کند و اعتقادی به نقد تکاملی ندارد.

● البته این نظر یک مقدار کلی است. هر دوره ای تأثیرات خود را دارد. سبکها و روش داستان نویسی سی سال پیش باحال متفاوت است. هر نویسنده ای خواه و ناخواه تحت تأثیر زمان خودش است. هر اثری را باید در زمان خود نقد کرد اما جدا از آثار دیگر.

○ بحث به تاریخ ادبیات کشیده شد. تاریخ نقد ادبیات داستانی در ایران به چه سالهایی برمی گردد؟ اگر تولد ادبیات جدید داستانی را از سالهای پیش از مشروطه بدانیم اولین نقدهای جدید چه زمانی نوشته شدند؟

● در این زمینه مطالعه و اطلاعات زیادی ندارم اما می توان گفت قبل از انقلاب نقد کارشناسانه و تئوریک نداشته ایم و فکر می کنم هیچ زمانی، نقد به اندازه تا ده پانزده سال اخیر جدی و دقیق نبوده است.

○ به نظر شما هر منتقد تا چه اندازه از نظر اخلاق و تمهد نقادانه موظف است که مطالعه کند؟ آیا لازم نیست که منتقدی از آثار گذشته و حال ادبیات جهان، از سبکها و مکتبهای جدید نقد و از پیشینه نقد ادبی در کشور خود آگاه باشد؟

● بدیهی است که هرچه دامنه اطلاعات منتقد وسیع تر باشد بهتر است. متأسفانه ما دسترسی چندانی به ادبیات جهانی نداریم. منتقد یا نویسنده محدود شده به سلیقه چند مترجم که بسیاری از آنها منتقد نیستند. از این نظر ما قابل مقایسه با کشورهای اروپایی نیستیم و از ادبیات داستانی جهانی و شیوه های جدید نقد عقب هستیم. اما من چارچوبی را در نظر دارم و باتوجه به مطالعات خود، در چارچوب پذیرفته شده نقد، عمل می کنم. ادبیات ما هم بیشتر از این طلب نمی کند. نویسندگان ما هم در حد بیشتری نیستند. مگر نویسندگان ما توانایی نویسندگان غربی را دارند که ما فکر کنیم شایستگی نقد آنان را نداریم؟ این نویسنده است که باید بتواند کاری نو و تأثیرگذار بیافریند.

○ بعضی از نویسندگان می گویند کسانی منتقد می شوند که خواسته اند داستان نویس شوند و نتوانسته اند! شما که داستان نویس هستید نظرتان چیست؟

● ممکن است مواردی پیدا شود اما حکم قاطعی نیست. اینها دو موضوع کاملاً جداسست که می تواند در کسی جمع شود یا به عکس جمع نشود. من از کودکی همراه خواندن داستان آن را نقد هم می کردم که دستنوشته های آن روزها را هنوز دارم. وقتی داستان می نویسم، نمی توانم کار خود را نقد کنم و احتیاج به نقد دیگران دارم. در مجموع فکر نمی کنم این دو موضوع بر هم تأثیر داشته باشد.

○ هیچ تأثیری؟ نه مثبت و نه منفی؟
● چرا، نوشتن نقد باعث شده کمتر فرصت نوشتن داستان داشته باشم.

○ چرا امروز کمتر داستان می نویسید و بیشتر به نقد آثار دیگران می پردازید؟

● بعضی از دلایلهای آن شاید ربطی به ادبیات نداشته باشد. برای چاپ قصه هایم در قالب کتاب خیلی اذیت می شدم. به همین دلیل داستانهای زیادی دارم که در مطبوعات چاپ شده اند اما به صورت کتاب در نیامده اند. در مجموع کار نقد برابم راحت تر است. از سوی دیگر زن خانه دار باید وقت زیادی صرف کارهای خانه و خانواده اش بکند که از هر کار دیگری واجب تر است. من واقعاً از کم کاری ام در زمینه داستان نویسی ناراحت نیستم چون وقت خود را هدر نداده ام.

○ اما شما داستان نوشتن را کنار گذاشته اید ...
● خیر، کنار نگذاشته ام. دو زندگینامه را به صورت داستان برای حوزه هنری در دست نگارش دارم، یکی زندگینامه خواجه عبدالله انصاری و دیگری زندگینامه هفت خطاط است.

○ بفرمایید که به طور کلی و از نظر ماهوی تفاوت آفرینش ادبی و پژوهش ادبی چیست؟ و خلق داستان و نقد آن چه فرقی دارند؟

● خلق داستان یک کار هنری است که استعداد و مطالعه زیاد می خواهد. نقد هم مطالعه فراوان می طلبد، اما شاید استعداد هنری کمتر بخواهد؛ اما یک دید منطقی، حسابگرانه و شاید ریاضی بطلبد. منتقد باید اثر را به طور عقلانی بسنجد، نه هنری و احساسی. منتقد باید بسیار بیشتر از نویسنده تیزبین باشد و کار او علمی-هنری است.

○ امروزه با ارتباطی شدن دانشها، شاهد دانشهای ترکیبی هستیم. در عرصه ادبیات هم سالهاست آثار داستانی در معرض نقدهای سیاسی، اجتماعی، تاریخی، روان شناسی، عرفانی، رمزشناسی و ... قرار می گیرند. چرا در ایران امروز از این نوع نقدها نیست؟

● شاید بشود گفت ما داستانهایی جدی و قوی در این زمینه نداشته ایم که کسی سراغ آنها برود. آثار ادبی در جامعه ما خیلی از این نظر جدی گرفته نمی شود. من نمی دانم آیا جامعه ما اقتضا می کند که ادبیات و نقد به آن سو کشیده شود؟ دیگر اینکه بسیاری از نقدها با دید و فرهنگ غربی صورت می گیرد که برای ما ملموس نیست. مثلاً نقد روان شناسانه امروزی بر پایه نظرات چند غربی است و بسیاری از پایه های آن از نظر علمی باطل شده است. اکثر این دیدگاهها با باورهای دینی ما سازگار نیستند و یا اصلاً در جامعه ما مصداقی ندارند و کسانی که خواسته اند از این دید به داستانهای نگاه کنند، گفته های آنها را تکرار کرده اند و حرفی از خودشان نزده اند.

○ اگر قرار باشد بهترین منتقدان ادبیات داستانی ما را نام ببرید، چه افرادی در اولویت قرار دارند؟

● نقدهایی که در ده سال اخیر خواننده ام نوشته منتقدان حرفه ای نبوده اند و بیشتر کسانی که در حال حاضر می توانم از آنها نام ببرم آقایان رضا رهگذر و عبدالعلی دستغیب هستند. شاید کسان دیگری هم باشند که به یاد ندارم. دوستان دیگری هم هستند که در جلسات شفاهی نقد حضور فعال و موفقی دارند اما کمتر نقد مکتوبی از ایشان دیده ام.
○ در میان کتابهای متفاوتی که در مقوله نقد ادبی نوشته شده است، کدام را موفقی تر می دانید؟

● چرا با تفکر خودمان، سبک خودمان را به وجود نیاوریم؟

• کتابهای ترجمه آقایان محسن سلیمانی، ابراهیم یونسی و رضا سیدخسینی و نیز تالیفات آقای رهگذر برای من مفید بوده است. البته ترجمه بسیاری از کتابهای نقد توسط افرادی صورت گرفته که خود منتقد داستان نبوده اند.

○ آموزش داستان نویسی در کشور ما فراگیر نیست، با این وجود مراکز به این کار می پردازند. لیکن آموزش نقد داستان تا به حال مورد توجه نبوده است. علت چیست؟

• شاید کسی دوست ندارد منتقد بشود. حتی در میان نوجوانانی که علاقه فراوانی به نویسندگی دارند، کمتر کسی می داند نقد چیست. به طور کلی زمینه برای نقد کم است، چه در میان نویسندگان چه در مطبوعات و یا در جلسات قصه خوانی. داستان نویسی بسیار جذاب و برای نوآموزان راحت تر است. خوانندگان نقد هم بسیار محدودترند. حتی بسیاری از افرادی که خواننده دائمی مجلات ادبی هستند، نقدها را نمی خوانند و منتقدان را نمی شناسند.

○ آیا مکتبها، سبکها و دوره های ادبی غربی در ادبیات ما مصداق کاملی داشته اند؟

• سبکهای ادبی در غرب بستر تاریخی داشته اند و به دلایل خاصی به وجود آمده اند و به دلایل دیگری از بین رفته اند. در کشور ما چون این ادبیات تقلیدی بوده، طلوع و افول آن سبکها نمی تواند چندین مصداقی داشته باشد. چه در قبل از انقلاب و چه پس از آن کمتر سبک و قالب مشخص داشته ایم. اینکه نویسنده ای از نویسنده ای خارجی تقلید کند نباید به معنای سبک ادبی تلقی شود.

○ اما امروز بسیاری از نویسندگان رویکردی به سیاق داستانهای رئالیسم جادویی داشته اند ...

• متأسفانه، بله. اما ای کاش می آمدند و اول این سبک را می شناختند، بعد با توجه به فرهنگ خودمان داستان می نوشتند. متأسفانه بیشتر این داستانها بیش از تقلیدی ناشیانه نیست. ملغمه ای که یک جایش به جویس شبیه است، یک جایش به فاکتور و بخشی از آن هم



به مارکز. رئالیسم جادویی بیش از آنچه استحقاق داشته گُل کرده است. سلمان رشدی ملعون در «شرم» و «با بچه های نیمه شب» سعی کرده رئالیسم جادویی هندی-پاکستانی به وجود بیاورد و تونی مورین آمریکایی نیز همین طور. اما کارهای آنها هم در حد تقلید از مارکز مانده است.

○ پس به تعبیر شما در ادبیات داستانی ما یک جریان فراگیر، مانا و اصلی که بتوان از آن به سبک تعبیر کرد وجود نداشته است؟

• تنها تعدادی داستان در بعد از انقلاب و در دوره جنگ نوشته شده که می توانستند سبکی مختص به خودمان را به وجود بیاورند. وجه مشترک آنها بیان کردن صادقانه اعتقادات مذهبی بود که گرچه از نظر ما واقعی و حقیقی است، از دید دیگران این طور نیست. مثلاً زنده بودن شهید و یا حضور قابل درک امام زمان (عج). به نظرم می توان این داستانها را «واقعگرای اسلامی» نامید. بسیاری از نویسندگان در این سبک کار می کردند که متأسفانه امروز این سبک را رها کرده اند و به رئالیسم جادویی رو آورده اند؛ مکتبی که اصلاً پایه مذهبی ندارد.

○ منظورتان از اینکه رئالیسم جادویی پایه مذهبی ندارد چیست؟ مگر

بقیه سبکها و مکتبها پایه مذهبی دارند؟

• آخر بعضی از نویسندگان ما گمان می کنند که می توان در این سبک به ادبیات مذهبی رسید. این به دلیل عجایب و غرایبی است که در این سبک جلوه کرده است. برخی گمان می کنند که این سبک به مسائل ماوراءالطبیعه و معنوی اشاره دارد. در حالی که نویسندگان آمریکای لاتین اصلاً دید معنوی و مذهبی ندارند. مارکز که شناخته ترین نویسنده این سبک در ایران است، اصلاً چنین ادعای ندارد. نهایت حرف آنها مثلاً این می شود که آدمی را باد می برد. در بیشتر آثار این سبک تلخ اندیشی حاکم است و کوششها و حرکتهای مردم محروم جهان، محکوم به شکست است. این تصور مذهبی بودن کمتر در مورد دیگر سبکها پیش آمده است.

○ اما در رمانتیسیم نوعی مسیحیت کاتولیک و کلیسای وجود دارد و

یا آثار رئالیستی متعددی با نگرشهای مذهبی داشته ایم.

• به فرض در آن دوره نوعی تفکر مذهبی رایج بوده و آن سبک به وجود آمده است؛ چرا ما با تفکر خودمان، سبک خودمان را به وجود نیاوریم؟ فرهنگ آنها با ما بسیار متفاوت است و نمادهای آنها بسیاری از اوقات برای ما معنی ندارند. اما متأسفانه بعضی از نویسندگان ما از اینکه حتی ظاهر داستان مذهبی باشد، آبا دارند و برای روشنفکر نشان دادن خود از آثار غربی تقلید می کنند!

○ اگر بحث بر سر این است که این سبکها ناشی از تفکرات آنهاست که با تفکر ما متفاوت است، می توان گفت اصلاً و اساساً ادبیات داستانی جدید با فرهنگ ما مطابقت ندارد. داستان و رمان الزاماً نیازمند جزئی نگری است، شخصیت محور است، به روابط علت و معلول تجربی متکی است؛ که هیچ کدام از اینها در فرهنگ و سنت ما سابقه نداشته است.

• داستان نویسی جدا از همه سبکهای آن وجود دارد. داستان جدا از تمام سبکها هم دارای تصور و معناست. داستان صرفاً غربی نیست و حاصل تجربه های بشر در تمام جهان و تمام نسلهاست. اگر قصه ای را برای بچه ای که هیچ آشنایی و برخوردی با فرهنگ غرب نداشته بخوانیم باز هم او را جذب می کند. پس مؤلفه هایی در داستان وجود دارد که باعث جلب او شده است. اینکه داستان باید کششی داشته باشد که دیگر غربی نیست.

فرهنگ توصیفی داستان نویسان، مترجمان و منتقدان ادبیات داستانی سمیرا اصلانیپور (داستان نویس، منتقد)

اشاره:

هدف از تهیه این فرهنگ تلاشی است برای ثبت و ضبط گسترده و فراگیر آثار داستان نویسان ایران در دو مقطع «بزرگسالان»، «کودکان و نوجوانان». در این پژوهش سعی شده است که اطلاعاتی کمابیش کامل و گویا از نویسندگی موردنظر به دست داده شود؛ از همین رو در ثبت و ضبط آثار داستان نویسان به طور جامع به همه اطلاعات کتاب شناختی براساس الگوهای رایج و فراگیر توجه شده است تا بتواند محققان، پژوهشگران و منتقدان ادبیات داستانی را از هر گونه مراجعه به منابع و مآخذ دیگری بی نیاز کند.

گفتنی است که شاخصه اصلی این پژوهش، در این فرهنگ، بر پنج عنصر اصلی پایه ریزی شده است که عبارتند از:

الف: زندگینامه

ب: اطلاعات کلی درباره آثار نویسندگی
پ: کتاب شناسی داستانهای کوتاه و بلند نویسندگی

ت: مقاله شناسی، مصاحبه و دیگر آثار نویسندگی

ث: نقدشناسی آثار نویسندگی

□□□ الف: سالشمار زندگی

□ سال ۱۳۴۳

• تاریخ تولد؛ تهران

□ سال ۱۳۲۹ - ۱۳۶۱

• تحصیلات دوره ابتدایی - راهنمایی و دبیرستان

□ سال ۱۳۶۵

• شرکت در اولین دوره کلاسهای آموزش داستان نویسی حوزه هنری

• شرکت در جلسات نقد و بررسی داستان در واحد ادبیات حوزه هنری

• چاپ نخستین داستان با عنوان «تطهیر زمین» در مجله «سروش» (گروه سنی بزرگسالان)

□ سال ۱۳۶۷

• ورود به دانشگاه صنعتی «امیرکبیر» در رشته مهندسی پتروشیمی

• عضویت در شورای جنگ «بچه های مسجد» تا سال ۱۳۶۸

• کارشناس داستان واحد ادبیات حوزه هنری

هنری تا سال ۱۳۶۸

□ سال ۱۳۶۸

• چاپ نخستین مجموعه داستان در پاییز

سال ۱۳۶۸

• عضویت در شورای کتاب شناسی گاهنامه «قلمرو»

□ سال ۱۳۶۹

• عضو هیأت داوران بخش داستان جشنواره کارگری (برگزار شده از طرف خانه کارگر)

• دبیر بخش قصه و بخش امور هنری مجله «سوره نوجوانان»

• تدریس قصه نویسی در حوزه هنری

□ سال ۱۳۷۰

• کارشناس بخش داستان ۱۳ تا ۱۸ ساله های مجله «زن روز» تا سال ۱۳۷۱

• کارشناس پیک قصه نویسی حوزه هنری در تابستان همین سال

• ازدواج

□ سال ۱۳۷۲

• فارغ التحصیل در کارشناسی مهندسی پتروشیمی از دانشگاه صنعتی «امیرکبیر»

• شرکت مستمر در نشستهای نقد و بررسی قصه حوزه هنری در روزهای سه شنبه هر هفته

□ سال ۱۳۷۳

• کارشناس داستان کودکان و نوجوانان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

• کارشناس داستان کودکان مرکز بررسی آثار مجلات «ارشد»

• عضو هیأت داوران اولیه انتخاب کتاب سال مجله «سوره نوجوانان»

• سردبیری یک شماره از مجموعه «سوره - بچه های مسجد»

□ سال ۱۳۷۴

• عضو هیأت داوران نخستین جشنواره قصه های قرآنی در گروه سنی بزرگسالان (برگزار شده از سوی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه)

• عضو هیأت داوران انتخاب کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش کودک و نوجوان

• عضویت در شورای نقد و بررسی کارگاه رمان بنیاد جانبازان

• عضویت در شورای نقد و بررسی کارگاه

مفاخر ملی و مذهبی حوزه هنری

□ سال ۱۳۷۴

• داوری مسابقه داستان کوتاه [نویسی درباره] جانباز

(برگزار شده از سوی واحد رمان جانباز بنیاد مستضعفان و جانبازان)

• شرکت در میزگرد تلویزیونی نویسندگان و شاعران زن (تابستان ۷۴)

□□□□ ب: اطلاعات کلی درباره آثار نویسندگی

□ تعداد کتابها: ۴ کتاب

□ تعداد داستانها: ۴۹ داستان

• داستان بزرگسالان ۱۹ داستان

• داستان کودک و نوجوان ۹ داستان

• داستان نگرانی ۲۱ داستان

□ آثار غیر داستانی: ۵۱

• معرفی و نقد ۱۱ مورد

• نقد و بررسی کتاب ۱۶ مورد

• نقد و بررسی فیلم ۶ مورد

• نظرخواهی مطبوعات از نویسندگان ۶ مورد

• مقالات و مطالب پراکنده ۱۲ مورد

□□□□ پ: کتاب شناسی داستانهای کوتاه و بلند نویسندگی

۱. تطهیر زمین (داستان کوتاه)

«گاهنامه داستان»، ش. ۵ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۵ (ص ۵۱-۶۳)

۲. مبصر بعدی (داستان کوتاه) *

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۵ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۳۱-۴۴)

۳. حبیب (داستان کوتاه) *

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۵ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۷-۱۱)

۴. خروسم باز هم قوقولی قوقو می کند (داستان کوتاه) *

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۶ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸

- (ص ۱۳-۲۱)
 ۵. درخت توت (داستان کوتاه) *
 کتاب «مبصر بعدی». - تهران: برگ، ۱۳۶۸ (ص ۷-۱۷)
 ۶. تطهیر زمین (داستان کوتاه)
 «گزیده ده سال داستان نویسی در انقلاب اسلامی»، جلد اول/ به کوشش ابراهیم حسن بیگی. - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۴۲-۵۰)
 ۷. مبصر بعدی (داستان کوتاه) *
 کتاب «مبصر بعدی». - تهران: برگ، ۱۳۶۸ (ص ۳۱-۴۷)
 ۸. خروسم باز هم قوقولی قوقو می کند (داستان کوتاه) *
 کتاب «مبصر بعدی». - تهران: برگ، ۱۳۶۸ (ص ۱۹-۳۰)
 ۹. ابرها کوههای آسمانند (داستان کوتاه)
 «گاهنامه داستان»، ش. ۱۲/ به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری. - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۵۱-۵۵)
 ۱۰. تطهیر زمین (داستان کوتاه)
 «گاهنامه داستان»، ش. ۵/ به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری. - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۵۱-۶۳)
 ۱۱. وقتی که با تو نبودم (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۱۷-۲۴)
 ۱۲. طلوع شامگاهی (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۲۵-۳۰)
 ۱۳. دو مرغ دریایی (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۳۱-۳۸)
 ۱۴. در تلاطم امواج (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۳۹-۴۶)
 ۱۵. حبیب (داستان کوتاه) *
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۴۷-۵۲)
 ۱۶. باغچه خشک (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۵۳-۶۰)
 ۱۷. خوابی در سحرگاه (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۶۱-۶۸)
 ۱۸. نوستالوژی (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۶۹-۷۶)
 ۱۹. ابرها کوههای آسمانند (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۷۷-۸۱)
 ۲۰. اتوبوس (داستان کوتاه)
 کتاب «کوههای آسمان». - تهران: پیام آزادی، ۱۳۶۸ (ص ۸۲-۸۸)
 ۲۱. درخت توت (داستان کوتاه) *
 مجله «کیهان بچه ها»، ش. ۴۶۴ (۱ آذر ۱۳۶۷) ص ۱۲-۱۷
 ۲۲. فرود سپید کبوتر نیمه شب (داستان کوتاه) *
 مجله «کیهان بچه ها»، ش. ۵۱۵ (۷ آذر ۱۳۶۸) ص ۱۲-۱۴ و ۵۱-۵۳
 ۲۳. قلب نقره ای شهر (داستان نیمه بلند) *
 مجله «رشد نوجوان»، سال دهم (مهر ۱۳۷۰) ص ۴-۱۱ (آبان ۱۳۷۰) ص ۴-۱۱
 ۲۴. پناهگاهی در نفور (داستان کوتاه) *
 مجله «رشد نوجوان»، سال نهم (آذر ۱۳۶۹) ص ۴-۷
 ۲۵. وقتی که با تو نبودم (داستان کوتاه)
 مجله «سروش»، ش. ۳۶۵ (۱۳ دی ۱۳۶۵) ص ۲۴-۲۶
 ۲۶. دو مرغ دریایی (داستان کوتاه)
 مجله «سروش»، ش. ۴۰۸ (۷ آذر ۱۳۶۶) ص ۵۲-۵۴
 ۲۷. تطهیر زمین (داستان کوتاه)
 مجله «سروش»، ش. ۳۴۷ (۱۱ مرداد ۱۳۶۵) ص ۳۶-۳۸
 ۲۸. پنجره من و حیاط شازده (داستان کوتاه)
 مجله «زن روز»، ش. ۱۳۲۱ (۲۱ تیر ۱۳۶۵) ص ۴۳-۴۵
 ۲۹. آشین خانه سفید (داستان کوتاه) *
 مجله «زن روز»، ش. ۱۳۳۸ (۲۵ آبان ۱۳۷۰) ص ۴۵-۴۶
 ۳۰. یک تپه طلا (داستان کوتاه)
 هفته نامه «کیهان هوایی»، ش. ۸۹۷ (۲۸ شهریور ۱۳۶۹) ص ۱۶-۱۷
 ۳۱. ستارگان در خانه های شهر (داستان کوتاه)
 هفته نامه «کیهان هوایی»؛ ویژه اولین سالگرد رحلت امام (ره)، ش. ۸۸۱ (۹ خرداد ۱۳۶۹) ص ۱۱
 ۳۲. نوستالوژی (داستان کوتاه)
 هفته نامه «کیهان هوایی»، ش. ۸۲۴ (۳۰ فروردین ۱۳۶۸) ص ۱۶-۱۷
 ۳۳. طلوع شامگاهی (داستان کوتاه)
 هفته نامه «کیهان هوایی»، ش. ۷۹۹ (۲۷ مهر ۱۳۶۸) ص ۱۲
 ۳۴. در تلاطم امواج (داستان کوتاه)
- هفته نامه «کیهان هوایی»، ش. ۷۷۷ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۷) ص ۱۶
 ۳۵. به خاطر دو واحد (داستان کوتاه)
 «اندیشه»، ش. ۱۰/ به کوشش جهاد دانشگاهی صنعتی امیرکبیر. - تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸ (ص ۱۴-۱۵)
 ۳۶. بر فراز بلندترین قله (داستان کوتاه)
 روزنامه «کیهان»، ش. ۱۳۸۷۶ (۲۳ فروردین ۱۳۶۹) ص ۱۶
 ۳۷. خوابی در سحرگاه (داستان کوتاه)
 روزنامه «کیهان»، ش. ۱۳۷۴۹ (۱۱ آبان ۱۳۶۸) ص ۱۶
 ۳۸. کوههای آسمان (داستان کوتاه)
 روزنامه «کیهان»، ش. ۱۳۵۸۷ (۲۴ فروردین ۱۳۶۸) ص ۱۶
 ۳۹. اتوبوسها (داستان کوتاه)
 روزنامه «اطلاعات»، ش. ۱۸۸۲۶ (۲۶ آذر ۱۳۶۸) ص ۱۱
 ۴۰. امتحان (داستان کوتاه)
 روزنامه «اطلاعات»، ش. ۱۸۹۸۸ (۱۰ اسفند ۱۳۶۸) ص ۱۱
 ۴۱. آخرین طلوع سبزه (داستان کوتاه)
 روزنامه «اطلاعات»، ش. ۱۸۹۴۹ (۲۱ دی ۱۳۶۸) ص ۱۱
 ۴۲. استاد و اقلیدس (داستان کوتاه)
 روزنامه «اطلاعات»، ش. ۱۸۹۶۱ (۵ بهمن ۱۳۶۸) ص ۱۱
 ۴۳. حبیب (داستان کوتاه) *
 روزنامه «اطلاعات»، ش. ۱۸۶۵۰ (۸ دی ۱۳۶۷) ص ۶
 ۴۴. نیلوفر، ستاره ها و سپیدار (داستان کوتاه) *
 [تهران]: قدیانی، بنفشه، ۱۳۶۹ (۱۶ دی) ص ۴۵
 ۴۵. ستاره ای با هزار پر نورانی (داستان کوتاه) *
 «سوره»، بچه های مسجد» ش. ۳۰/ به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری. - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۹ (ص ۲۷-۴۰)
 ۴۶. سرنوشت بچه کربه (داستان کوتاه) *
 مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۷۹ (۱۵ آبان ۱۳۷۳) ص ۶-۷
 ۴۷. رود مرغزار گذر (داستان کوتاه)
 مجله «زن روز»، ش. ۱۵۰۰ (۱۳ اسفند ۱۳۷۳) ص ۳۳
 ۴۸. یخچال (داستان کوتاه)
 مجله «زن روز»، ش. ۱۵۰۸ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۴) ص ۳۳

۴۹. وقتی که ماهیها آزاد می شوند (داستان کوتاه).

مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۰ فروردین ۱۳۷۴ (ص ۴۳-۴۴).

□ □ □ □ مقاله شناسی، مصاحبه و دیگر آثار نویسنده

۵۰. «قصه های ترکمن» نوشته عبدالرحمان دبه بی و... / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۴ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۸۸-۹۱)

۵۱. «بچه های آخر کلاس» نوشته مصطفی خرامان / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۴ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۹۱-۹۳)

۵۲. «سختون» نوشته ناصر ایرانی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۴ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۹۳-۹۷)

۵۳. همراه با ناصر خسرو در بصره / بازنویسی از سفرنامه ناصر خسرو

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۴ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۱۲۲-۱۲۷)

۵۴. «روز تنهایی من» اثر محمد میرکیانی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۵ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۶۸-۷۱)

۵۵. «اندوه برادر» اثر سیدمهدی شجاعی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۵ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۷۱-۷۲)

۵۶. «سیاه چمن» اثر امیرحسین فردی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۶ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۷ (ص ۷۱-۷۲)

۵۷. «قصه های بپر» ترجمه رضا رهگذر /

معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۶ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۷۰-۷۲)

۵۸. آشنایی با هنر خوشنویسی / مصاحبه با استاد سخاوت

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۷ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۱۳۱-۱۳۶)؛ قسمت دوم: «سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۸ (ص ۷۷-۸۲)

۵۹. طرح تکراری / آموزش ادبی

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۷ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۸۹-۱۰۰)

۶۰. «افسانه خوشبختی» نوشته محمدمیرکیانی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۸ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۶۹-۷۲)

۶۱. «مادرم آسمان من است» اثر شهید علیرضا شاهی / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۸ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۷۲-۷۵)

۶۲. «یک سنگ و یک دوست» اثر جعفر ابراهیمی (شاهد) / نقد و بررسی

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۸ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۹۹-۱۰۸)

۶۳. «کوههای سفید» اثر جان کریستوفر / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۹ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۵۵-۵۹)

۶۴. «مدرسه انقلاب» نوشته حسین فتاحی / نقد و بررسی کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۲۹ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۸ (ص ۷۷-۸۰)

۶۵. نگاهی به برنامه هزار برگ و هزار رنگ / نقد برنامه کودک

روزنامه «جمهوری اسلامی»، ش. ۹ (ص ۶۸/۸/۴)

۶۶. نقد حضوری مجموعه داستانهای سیدمهدی شجاعی / نقد و بررسی

هفته نامه «کیهان هوایی»، ش. ۸۷۱ (ص ۶۸/۱۲/۲۳) ۴-۶

۶۷. شبی در کوهستان / قطعه ادبی

مجله «زن روزه»، ش. ۱۲۷۳ (ص ۶۹/۴/۲۳) ۳۹-ص

۶۸. شما چه چیزی را سوت می زنید (ترجمه) / آشنایی با آداب و رسوم کشورها

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۴ (دی ۱۳۶۹) ۵۵-ص

۶۹. «یثرب شهر یادها و یادگارها» اثر رضا رهگذر / معرفی و نقد کتاب

«سوره، بچه های مسجد»، ش. ۳۲ / به کوشش واحد ادبیات حوزه هنری - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۶۹ (ص ۵۳-۵۵)

۷۰. من معذرت نمی خواهم / نقد و بررسی گاهنامه «قلمرو ادبیات کودکان»، ش. ۵ / به کوشش رضا رهگذر - تهران: جوانه و ارشاد، ۱۳۶۹ (ص ۹۵-۱۰۳)

۷۱. «کاکلی» ساخته فریال بهزاد / نقد فیلم

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۲ (آبان ۱۳۶۹) ۲۷-۲۸ ص

۷۲. «پاتال و آرزوهای کوچک» ساخته مسعود کرامتی / نقد فیلم

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۲ (آبان ۱۳۶۹) ۲۷-۲۸ ص

۷۳. هاجیکوی وفادار / ترجمه (مطلب خواندنی)

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۲ (آبان ۱۳۶۹) ۳۲-۳۳ ص

۷۴. جادوی فیلم / ترجمه (جلوه های ویژه)

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۲ (آبان ۱۳۶۹) قسمت اول: ص ۵۲-۵۵؛ قسمت دوم: ش. ۳ (آذر ۱۳۶۹) ص ۲۲-۲۳؛ قسمت سوم: ش. ۴ (دی ۱۳۶۹) ص ۲۰-۲۱؛ قسمت سوم: ش. ۶ (اسفند ۱۳۶۹) ص ۱۶-۱۸؛ قسمت چهارم: ش. ۶ (اسفند ۱۳۶۹)؛ قسمت پنجم: ش. ۹ (خرداد ۱۳۷۰) ص ۵۲-۵۳.

۷۵. مولتی ویژن / مصاحبه با حسینی پویا

مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۳ (آذر ۱۳۶۹) ص ۵۸-۵۹؛ قسمت دوم: ش. ۴ (دی ۱۳۶۹) ۳۳-۳۲ ص

۷۶. کار کردن با بچه ها بسیار شادی آفرین و امیدبخش است / مصاحبه با شهریار

بحرانی

- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۴ (دی ۱۳۶۹) ص ۴۲-۴۴.
۷۷. مسلمانان فارسی زبان تاجیک چشم و دلشان روشن به ایران است / گزارش مصاحبه مطبوعاتی هیأت اعزامی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تاجیکستان
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۵ (بهمن ۱۳۶۹) ص ۵-۷.
۷۸. من مدرسه ام را دوست دارم - سیمای جمهوری اسلامی / نقد فیلم
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۶ (اسفند ۱۳۶۹) ص ۲۴.
۷۹. یک نویسنده از نگاه خود و دیگران / درباره آثار محمود حکیمی
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۵ (بهمن ۱۳۶۹) ص ۳۰.
۸۰. سریال کارتونی چوبین / نقد فیلم
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۸ (اردیبهشت ۱۳۷۰) ص ۲۲-۲۳.
۸۱. قلعه برفی / نقد فیلم
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۸ (اردیبهشت ۱۳۷۰) ص ۲۴-۲۵.
۸۲. نگاهی اجمالی به آثار اسماعیل فصیح / نقد و بررسی
- مجله «سوره»، دوره سوم، ش. ۴ (تیر ۱۳۷۰) ص ۳۳-۳۵.
۸۳. کدام کتاب را انتخاب می کنید؟ / نظرخواهی درباره کتابهای کودکان در سال ۱۳۶۸
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۷ (فروردین ۱۳۷۰) ص ۱۶.
۸۴. چرا می نویسید؟ چرا می سرائید؟ / نظرخواهی از نویسندگان
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۹ (خرداد ۱۳۷۰) ص ۴۷.
۸۵. بررسی داستانهای نوجوانان / نقد و بررسی
- داستان خرید ← «زن روز»، ش. ۱۳۲۸ (۷۰/۶/۱۶) ص ۴۵.
- از پشت پنجره ← همان ش. ۱۳۳۱ (۷۰/۷/۶) ص ۴۶.
- یک خرده شانس ← همان ش. ۱۳۳۵ (۷۰/۸/۴) ص ۴۶.
- تنگ شیشه ای ← همان ش. ۱۳۳۷ (۷۰/۸/۱۸) ص ۴۶.
- یک شاخه گل محمدی برای مادرپزری ← همان ش. ۱۳۴۳ (۷۰/۹/۳۰) ص ۵۶.

- عملیات در خانه ← همان ش. ۱۳۵۰ (۷۰/۱۱/۲۶) ص ۴۶.
- بچه های طلاق ← همان ش. ۱۳۴۸ (۷۰/۱۱/۱۲) ص ۴۶.
۸۶. داستان خوب باید... / پاسخ به نظرخواهی ادبیات داستانی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۹ (تیر ۱۳۷۲) ص ۵.
۸۷. «ریشه در اعماق» اثر ابراهیم حسن بیگی / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۰ (فروردین ۱۳۷۴) ص ۴۶-۴۹.
۸۸. شتابزده، سهل انگار و آشفته: «عشق سالهای جنگ» اثر حسین فتاحی / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۱ و ۳۲ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۴) ص ۴۰-۴۵.
۸۹. تمرکز روی گفتگو؛ فقط به زمین نگاه کن، اثر محمدرضا کاتب / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۵ (شهریور ۱۳۷۴) ص ۵۸-۵۹.
۹۰. گریز از پرداخت شخصیت؛ «سرود ارونرود» اثر منیژه آرمین / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۵ (شهریور ۱۳۷۴) ص ۶۳-۶۵.
۹۱. پرداختی بسیار نواز موضوعی بسیار کهنه و تکراری: «قاصدک» اثر علی مؤذنی / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۵ (شهریور ۱۳۷۴) ص ۶۶-۶۷.
۹۲. سفرنامه دیگری از اروپا: «آینه های در دار» اثر هوشنگ گلشیری / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۷ (بهمن ۱۳۷۴) ص ۸-۱۰.
۹۳. چند گام به پیش، «آن روز که عمه خورشید مرد» [اثر منیژه آرمین] / نقد و بررسی
- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۸ (اسفند ۱۳۷۴) ص ۱۶-۱۹.
۹۴. دو خاطره از نوروز / خاطره
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۸۵ (فروردین ۷۴) ص ۶۷.
۹۵. پاسخ به نقد سرنوشت بچه گربه / نقد
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۸۵ (فروردین ۷۴) ص ۶۷.
۹۶. نگاهی دوباره به ادبیات کلاسیک جهان / پاسخ به نظرخواهی درباره رمان «جنگ و صلح»

- مجله «ادبیات داستانی»، ش. ۳۶ (دی ۱۳۷۴) ص ۱۹.
۹۷. نگاهی به آثار جان کریستوفر / نقد و بررسی
- دو فصلنامه «پویش»، ش. ۵ (پاییز و زمستان ۱۳۷۴) ص ۷۰-۷۵.
۹۸. محدوده تخیل: «دختر آینه پوش» اثر فریبا کلهر / نقد و بررسی
- دو فصلنامه «پویش»، ش. ۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۵) ص ۵۰-۵۳.
۹۹. نقد و بررسی بیست و دو داستان مذهبی نوجوانان / نقد و بررسی
- روزی این چنین ← جواد جزینی
- نهیگ یونس ← مهری ماهوتی
- وقتی او بیاید ← سلیمهدی شجاعی
- شش تن و یک فریاد ← ابراهیم حسن بیگی
- با تو یک سخن گفتن ← سلیمهدی شجاعی
- صدای بال فرشتگان ← مهری ماهوتی
- ازدهای موسی ← مهری ماهوتی
- عموجان عباس ← ابراهیم حسن بیگی
- هفت حکایت از بچه ها ← مصطفی رحماندوست
- تا به آفتاب ← ابراهیم حسن بیگی
- تا هزار بار ← داوود غفارزادگان
- عبور از شب ← محمدرضا پایرامی
- حضور سبز ← مصطفی شکیباخو
- قاصد ← مهری ماهوتی
- عموجان عباس ← ابراهیم حسن بیگی
- شب اما آفتاب ← داوود غفارزادگان
- □ □ □ □
- نقدشناسی آثار نویسنده
۱۰۰. تطهیر زمین / حسن بنی عامری
- روزنامه «کیهان»، ش. ؟ (زمستان ۱۳۶۸) ص ؟
۱۰۱. مبصر بعدی / کتاب شناسی تحلیلی قلمرو ۵
- گاهنامه «قلمرو ادبیات کودکان»، ش. ۵ / به کوشش رضا رهگذر. - تهران: جوانه و ارشاد ۱۳۶۹ (ص ۴۹-۵۱)
۱۰۲. یک حرف تازه، مبصر بعدی / محمدمیرکیانی
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۹۸ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۳) ص ۹.
۱۰۳. در حاشیه داستان سرنوشت بچه گربه / محمد صالح
- مجله «سوره نوجوانان»، ش. ۸۲ (دی ۱۳۷۳) ص ۳۲-۳۳.
- پانویس:
۱. داستانهای گروه سنی نوجوانان این نویسنده با علامت مشخص شده است.